

۱ توضیح آمده در زیر چند فعل مشخص شده، کاملاً درست است؟

- الف- چو خواهی که یابی ز هر بد، رها (مصدر: خواستن) (زمان: آینده) (ساخت: دوم شخص مفرد) (شناسه: ی)
- ب- او ز محرومی بخت بد من می‌خندید (مصدر: خندیدن) (زمان: حال) (ساخت: دوم شخص جمع) (شناسه: ید)
- ج- گفت که یک آرزویم در دل است. (مصدر: گفتن) (زمان: گذشته) (ساخت: سوم شخص مفرد) (شناسه: ندارد)
- د- شمع و پروانه به دلگرمی هم می‌سوزند (مصدر: سوختن) (زمان: حال) (ساخت: سوم شخص جمع) (شناسه: ند)

یک (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴)

۲ در عبارت زیر، چند «ضمیر پیوسته» دیده می‌شود؟

«دیروز من به شدت خسته بودم، به خانه‌مان که رسیدم به سرعت لباس‌هایم را عوض کردم. در حال استراحت بودم که زنگ زدی و گفתי که دوستت کتابش را به تو امانت داده و دوست داری که من هم آن را بخوانم.»

هفت (۱) شش (۲) سه (۳) چهار (۴)

۳ با توجه به واژه‌ها و ترکیبات مشخص شده، کدام گزینه نادرست است؟

- ۱ هجوم فتنه‌های آسمانی / مرا آموخت علم زندگانی (بلاها و سختی‌های روزگار (زندگی))
- ۲ ماه فروماند از جمال محمد (ص) / سرو نباشد به اعتدال محمد (ص) (حیرت می‌کند)
- ۳ گفت: چراغ از بهر کوردلان تاریک‌اندیش است تا به من تنه نزنند (اشخاص بی‌بصیرت و نادان)
- ۴ به گفتار پیغمبرت راه جوی / دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی (پیامبری)

۴ در کدام گزینه، به‌ترتیب، «بن مضارع، بن ماضی، بن مضارع، بن ماضی» به کار رفته است؟

- ۱ کاهش، پروردگار، آینده، آسودگی
- ۲ پویا، دادگاه، یخبندان، پرهیزگار
- ۳ نوشتار، شنیداری، سازمان، بازدید
- ۴ زیبا، زیستگاه، وزش، برقار

- ۱ اسکندر سنگ مزارها را خواند و به حیرت فرو رفت؛ زیرا مدّت حیاط صاحبان قبور که بر روی سنگ‌ها حک شده بود از ده سال تجاوز نمی‌کرد.
- ۲ پدر پروین گاهی شعری از شاعران قدیم ایران به او می‌داد تا قافیه‌هایشان را تعبیر بدهد و در سرودن شعر تجربه بیاندوزد.
- ۳ ادبا و عرفا و سخنوران ایرانی، حقایق اسلامی را با جامعه‌ی زیبای شعر و نصر فارسی به زیباترین شکل، آرایش داده‌اند.
- ۴ گفت: اگر این همه روضه را برای سنگ می‌خواندم دلش آب می‌شد. حرفش را خورد. رویم را بوسید؛ بعد بقچه‌ی کوچکی را به من داد و گفت: یک خرده خوردنی است، برای توی راهت گذاشته‌ام.

۶ بن مضارع افعال زیر به ترتیب کدام‌اند؟

«پرسی - نمی‌داند - گفت - بتریدش - نوزد - ساخته‌اند»

- ۱ پرسید - دان - گو - برید - وزید - ساخت
- ۲ پپرس - دان - بگوی - بُرد - ورزید - ساخت
- ۳ پُرس - دان - گو - بَر - وِرز - ساز
- ۴ پرس - دان - گو - بَر - ورزد - ساز

۷ بن مضارع چند فعل در کمانک مقابل آن، نادرست نوشته شده است؟

«پرسید (پرس) / فرستاد (فرست) / گفت (گو) / رفت (برو) / دارد (دار)»

- ۱ چهار
- ۲ یک
- ۳ سه
- ۴ دو

۸ در کدام گزینه از مصدر مشخص‌شده، بیش از یک بن مضارع ساخته می‌شود؟

- ۱ شستین روی و دست و پا یک بار
- ۲ جان باختن آسان است اندر نظرت لیکن
- ۳ پس از شیخ صالح دعا خواستین
- ۴ به رنج بردن بیهوده گنج نتوان برد

۹ در عبارت زیر، چند «ضمیر» وجود دارد؟

«صدایش خوب نیست اما به دل می‌نشیند. این شعر را مرتب می‌خواند و به نظرم شعر دیگری بلد نیست. شاگردش هم‌اکنون دارد چُرت می‌زند.»

- ۱ یک
- ۲ دو
- ۳ سه
- ۴ چهار

حکایت زیر را از کلیله و دمنه برگزیده‌ایم. آن را به دقت بخوانید و به سه سؤال بعدی پاسخ بدهید.

قورباغه‌ای در همسایگی ماری لانه داشت. هرگاه قورباغه بچه‌ای به دنیا می‌آورد، مار آمدی و بخوردی. قورباغه با خرچنگی دوست بود. به پیش خرچنگ رفت و گفت: «ای برادر! تدبیری اندیش که مرا خصمی قوی و دشمنی بی‌رحم است. نه در برابرش مقاومت می‌توانم کرد و نه توان مهاجرت دارم. چرا که این‌جا مکانی است خرم و زیبا، در نهایت آسایش.» خرچنگ گفت: «قوی‌پنجان توانا را جز با مکر نتوان شکست داد. در این اطراف راسویی زندگی می‌کند، چند ماهی بگیر و بکش و از جلوی خانه‌ی راسو تا لانه‌ی مار بیفکن. راسو یکی‌یکی می‌خورد و چون به مار رسد او را هم می‌بلعد و تو را از رنج می‌رهاند.» قورباغه با این حيله مار را هلاک کرد. چند روزی بگذشت، راسو دوباره هوس ماهی کرد بار دیگر به دنبال ماهی در آن مسیر راهی شد، پس قورباغه و هم‌همی بچه‌هایش را خورد.

۱۰ پیام حکایت در کدام گزینه آورده شده است؟

- ۱ حيله و مکر بسیار، بر خلق خدا موجب هلاکت است.
- ۲ افراد قوی را با مکر و حيله نتوان شکست داد.
- ۳ در برابر خصم قوی باید مقاومت کرد.
- ۴ هیچ عاملی، اسباب نابودی قوی پندگاران را فراهم نمی‌کند.

۱۱ مرجع «برادر، او و تو» به ترتیب در کدام گزینه آورده شده است؟

- ۱ خرچنگ - قورباغه - مار
- ۲ خرچنگ - مار - قورباغه
- ۳ مار - خرچنگ - قورباغه
- ۴ مار - قورباغه - خرچنگ

۱۲ بن مضارع کدامیک از مصدرهای زیر در حکایت یافت می‌شود؟

- ۱ آمدن
- ۲ گفتن
- ۳ گذشتن
- ۴ توانستن

۱۳ از میان کلمه‌های زیر، آن‌ها را که از جهت ساختمان به هم شبیه هستند، در یک گروه قرار دهید:
خندان، درختان، دوان، زرتشتیان، گریان

۱۴ بن‌های فعل را (ماضی و مضارع) در واژه‌های زیر مشخص کنید:
پوشه، پوشیدنی، پوشاک، نوشیدن، نوشنده، نوشتار، نویسنده

۱۵ بخش مشترک (بن ماضی یا مضارع) را در کلمه‌های زیر مانند جدول مشخص کنید:
گفت، خوش‌گفتار، گفته

رونده، روا، تندرو

مثال: جان‌گداز، گدازنده، سوز و گداز

			ز	ا	د	گ	ا	ن	ج	
ه	د	ن	ز	ا	د	گ				
			ز	ا	د	گ	و	ز	و	س

۱ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. توضیح درست فعل‌ها:

خواهی ← زمان: حال

می‌خندید ← زمان: گذشته، ساخت: سوم شخص مفرد، شناسه: ندارد

۲ گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

ضمایر پیوسته: خانه‌مان / لباس‌هایم / دوستیت / کتابش

۳ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. آب استعاره از سخنان پیامبر (ص) است. استعاره، تشبیه فشرده‌ای است که از ارکان آن فقط «مشبه» یا «مشبه‌به» بماند. ارکان کامل آن چنین بوده است: سخنان پیامبر مانند آب، گناهان و تیرگی‌ها را

می‌شوید.

۴ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. گاه بن مضارع از کاستن؛ پرورد از پروردن؛ آ / آی بن مضارع از آمدن؛ آسودگی دارای بن

مضارع از مصدر آسودن.

کلماتی که بن مضارع دارد: پویا، یخبندان، پرهیزگار، سازمان، زیبا، ورزش

کلماتی که بن ماضی دارند: نوشتار، شنیداری، بازدید و زیستگاه. توجه داشته باشید «دادگاه از داد (عدل، اسم است) +

گاه (پسوند) بن فعلی نداریم همچنین واژه‌ی «برقکار» کار بن مضارع از کاستن نیست، بلکه اسم است به معنی شغل و

پیشه.

۵ گزینه ۴ پاسخ صحیح است. املای درست کلمات به ترتیب: حیات، حک / تغییر، بیندوزد (نگارش) / جامه، نثر

۶ گزینه ۳ پاسخ صحیح است. شکل ساخت بن مضارع:

۱- ساختن شکل امر فعل ۲- حذف «ب» آغازین فعل امر

دقت کنید ورزیدن، وزیدن دو مصدر متفاوت هستند.

۷ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. پیش‌تر آموختیم که برای ساخت بن مضارع از یک فعل ابتدا باید آن را به فعل امر تبدیل

کنیم و سپس نشانه‌ی امر (پ) را از ابتدای آن حذف کنیم، مثال: (پرسید ← بپرس ← پرس)

فعل ماضی فعل امر بن مضارع
رفت ← برو ← رو

۸ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. بررسی گزینه‌ها:

۱) شستن ← شوی، شو، شور بن مضارع
۲) باختن ← باز بن مضارع

۳) خواستن ← خواه بن مضارع
۴) بردن ← بر بن مضارع

۹ گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

ش در صدایش / م در نظرم / ش در شاگردش ضمیر هستند.

۱۰ گزینه ۱ پاسخ صحیح است. پیام داستان این است که حیله و مکر بسیار بر خلق خدا موجب هلاکت است.

۱۱ گزینه ۲ پاسخ صحیح است. منظور از «برادر، او و تو» به ترتیب «خرچنگ، مار و قورباغه» است.

بن مضارع
توانستن ← توان

واژه‌ی «توان» که بن مضارع توانستن است در حکایت یافت می‌شود.

... نه در برابرش مقاومت می‌توانم کرد ...

(توان: بن مضارع)

خندان
دوان ← بن مضارع + ان = صفت فاعلی
گریان

درختان = اسم (درخت) + ان جمع

زرتشتیان = صفت (زرتشتی) + ان جمع

پوشه = پوش (بن مضارع)

پوشیدنی = پوشید (بن ماضی)

پوشاک = پوش (بن مضارع)

نوشیدن = نوشید (بن ماضی)

نوشنده = نوش (بن مضارع)

نوشتار = نوشت (بن ماضی)

نویسنده = نویس (بن مضارع)

ه	د	ن	و	ر		
		ا	و	ر		
			و	ر	د	ن

بخش مشترک: رو (بن مضارع)

		ت	ف	گ		
ر	ا	ت	ف	گ	ش	و
		ت	ف	گ		

بخش مشترک: گفت (بن ماضی)

۱	۱	۲	۳	۴
۲	۱	۲	۳	۴
۳	۱	۲	۳	۴
۴	۱	۲	۳	۴
۵	۱	۲	۳	۴
۶	۱	۲	۳	۴
۷	۱	۲	۳	۴
۸	۱	۲	۳	۴
۹	۱	۲	۳	۴
۱۰	۱	۲	۳	۴
۱۱	۱	۲	۳	۴
۱۲	۱	۲	۳	۴